

یادداشت

O P I N I O N



مهدی رشیدی النگه

مدیر برنامه ریزی و بودجه ناصیکو

ناترازی گازی و چالش‌های صنعت فولاد

زنجریره تولید فولاد ایران در سال‌های اخیر به عنوان یکی از ستون‌های حیاتی اقتصاد کشور شناخته شده و مصرف‌فرااینده انرژی در این بخش، به ویژه گاز طبیعی، چالش‌های جدی را پیش روی سیاست‌های توسعه صنعتی قرار داده است. این صنعت سالانه بیش از ۱۲ میلیارد مترمکعب گاز مصرف می‌کند و پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که طی پنج سال آینده این میزان به دو برابر خواهد رسید. در حالی که برنامه دولت برای دستیابی به تولید ۵۵ میلیون تن فولاد سالانه، به حدود ۱۹.۲ میلیارد مترمکعب گاز نیاز دارد، ناترازی گازی موجود می‌تواند تحقق این هدف را با خطر جدی مواجه سازد. بر اساس برآوردها، تا اقی ۱۴۱۰ میزان تقاضای گاز کشور به بیش از ۱۳۵۰ میلیون مترمکعب در روز خواهد رسید، در حالی که ظرفیت گاز شیرین قابل تحویل تنها ۹۵۰ میلیون مترمکعب در روز است؛ اختلافی بالغ بر ۴۰۰ میلیون مترمکعب که معادل یک چالش ساختاری جدی در تأمین انرژی مشترکین خانگی، تجاری و صنایع مختلف خواهد بود.

مصارف خانگی و تجاری نقش تعیین‌کننده‌ای در ترکیب مصرف گاز کشور دارند؛ ۹۸ درصد شهرها و ۸۲ درصد روستاها برای تأمین انرژی به گاز طبیعی وابسته‌اند. با این حال، صنعت فولاد نیز سهم قابل توجهی از رشد مصرف گاز سبک را به خود اختصاص داده و همواره از گاز ارزان و دسترسی پایدار به این انرژی به عنوان مزیت رقابتی بهره برده است. گردش مالی سالانه این صنعت حدود ۹۰۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود و پس از نفت، دومین بخش اقتصادی پردرآمد کشور به شمار می‌رود. داده‌های سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که از کل گاز تولیدی کشور، نیروگاه‌ها ۳۴ درصد، مصارف خانگی ۲۷ درصد و صنایع ۱۷ درصد مصرف داشته‌اند که سهم صنعت فولاد پنج درصد بوده است. با این حال، ناترازی مصرف گاز طی سال‌های آتی به بیش از ۳۰۰ میلیون مترمکعب خواهد رسید و این مسئله مزیت رقابتی گاز ارزان را به چالش می‌کشد.

شدت مصرف انرژی در صنعت فولاد بالا است و برای تولید هر تن محصول، بدون در نظر گرفتن فرآوری مواد اولیه و جابجایی، حدود ۶۵۰ تا ۷۵۰ مترمکعب گاز طبیعی مورد نیاز است. با احتساب قیمت متوسط فروش هر تن فولاد حدود ۵۰۰ دلار و هزینه انرژی بین‌المللی ۲۰ سنت به ازای هر واحد، بیش از ۴۰ درصد بهای فروش فولاد در ایران صرف هزینه انرژی می‌شود. این نسبت بالای مصرف انرژی، ضرورت بهینه‌سازی فرایند تولید و اجرای فناوری‌های نوین را آشکار می‌سازد.



ابراهیم الهی

روزنامه نگار

بیندیشی از مهم‌ترین چالش‌های صنایع لبنی، تعیین قیمت شیر به صورت دستوری است، در حالی که در حوزه قیمت نهاده‌ها و تخصیص ارز هیچ سیاست یا دستور مشابهی اعمال نمی‌شود. این عدم هماهنگی، تولیدکنندگان را با ناهماهنگی‌های ساختاری روبه‌رو کرده و پیامدهای آن به طور مستقیم بر قیمت تمام‌شده محصول و پایداری زنجریره تولید، اثر می‌گذارد.

اگر در فرایند تخصیص ارز و قیمت‌گذاری نهاده‌ها نیز اقداماتی اصلاحی یا الزاماتی تعرفه‌ای اعمال شود، بدون شک می‌توان اثرات منفی قیمت‌گذاری دستوری را کاهش داد، اما وقتی ارز تولیدکننده گاه با وقفه‌ای هشت ماهه یا بیشتر در اختیار او قرار می‌گیرد، هزینه‌های تولید به شدت افزایش یافته و تأمین علوفه و نهاده‌ها نیز با اختلال مواجه می‌شود.

در شرایط کنونی، روند حاکم بر تولید محصولات لبنی ناقص است و تداوم آن بدون بازنگری، فشار مضاعفی بر فعالان این صنعت تحمیل می‌کند. لازم است با سیاست قیمت‌گذاری دستوری اصلاح شود یا در صورت ادامه این شیوه، حداقل سیاست‌های مرتبط با تأمین نهاده‌ها و مواد اولیه نیز به طور هماهنگ مدنظر قرار گیرد.

شرکت‌های بخش خصوصی به ویژه، برای دسترسی به ارز دولتی تحت فشار هستند و تا زمانی که این روند بازنگری نشود، شاهد افزایش مستمر قیمت‌ها در کنار کاهش

قدرت خرید و مصرف خانوارها خواهیم بود.

این وضعیت نشان می‌دهد که پایداری بازار لبنیات نیازمند هماهنگی سیاست‌گذاری، مدیریت زنجریره تأمین و بازنگری در رویه‌های دستوری است تا ضمن حمایت از تولیدکننده، ثبات و دسترسی مصرف‌کننده نیز تضمین شود.

● **با توجه به این شرایط پیچیده و فشارهای ساختاری موجود، آیا احتمال بروز اختلال در تأمین نیازهای اساسی این حوزه وجود دارد؟**
با توجه به روند نزولی مصرف، به نظر نمی‌رسد بازار با کمبود جدی یا بحران فوری مواجه شود، اما محدودیت‌هایی در حوزه‌های داخلی و صادراتی به وضوح احساس می‌شود. این محدودیت‌ها اگرچه فعلاً مانع بحران نمی‌شوند، اما در صورت تداوم، توان تولیدکنندگان را برای تأمین نهاده‌ها، مواد اولیه و ارز با چالش مواجه خواهد کرد.

دامداران برای تولید روزانه حدود ۴۲ کیلوگرم شیر، جیره غذایی مشخص و متوازن تعریف می‌کنند، اما مشکلات نقدینگی آنان را اوادار به استفاده از خوراک‌های کم کیفیت ترم می‌سازد؛ اقدامی که به طور مستقیم بر حجم و کیفیت شیر تولیدی تأثیر منفی می‌گذارد. بنابراین، حتی در شرایطی که بازار با بحران مواجه نیست، استمرار این محدودیت‌ها می‌تواند زنجریره تولید لبنیات را تحت فشار قرار دهد و کاهش تولید را به همراه آورد.

● **با توجه به تمام آنچه گفته شد، پرسش اساسی این است که در شرایط کنونی، چه راهکارهایی می‌تواند به بازگرداندن ثبات و آرامش به بازار لبنیات کمک کند؟**

برخلاف تصور عمومی، که دامداران را عامل افزایش قیمت محصولات لبنی می‌داند، باید توجه داشت که آنان تنها حلقه‌ای از یک زنجریره پیچیده هستند. بازگرداندن ثبات به بازار نیازمند تلاش مستمر تمامی فعالان این صنعت است و همکاران ما در مجموعه‌های مختلف پیگیر اصلاح قیمت شیر بوده‌اند.

تحوالات و محدودیت‌های سال جاری موجب شد تا ۱۴۰۴ به سالی دشوار برای صنایع لبنی بدل شود و شرکت‌های فعال در این حوزه، در قیاس با سال‌های اخیر، با فشار و چالش‌های مالی و عملیاتی به مراتب بیشتری مواجه شوند، به طوری که ادامه تولید و عرضه پایدار را مستلزم تدابیر فوری و هماهنگی‌های دقیق می‌کند.



۱۴۰۴، سال دشوار صنایع لبنی

سرپرست برنامه ریزی هلدینگ تادیکو معتقد است فشارهای ساختاری و محدودیت تأمین نهاده‌ها موجب شده صنایع لبنی با چالشی بی سابقه مواجه شود

گرچه تجربه گرانی و تورم بالا در ایران به موضوعی تکراری تبدیل شده و طی سال‌های گذشته مردم با تورم حدود ۴۰ درصدی آیدیده شده‌اند، اما در ماه‌ها و هفته‌های اخیر افزایش قیمت محصولات لبنی روندی دنباله‌دار و سریالی داشته که حتی در برخی روزها صدر اخبار اقتصادی را به خود اختصاص داده است. کاهش قدرت خرید خانوارها موجب شده است تا لبنیات، مانند گوشت و مرغ، جایگاه کم‌رنگ‌تری در سبد مصرفی پیدا کند، در حالی که فعالان صنایع لبنی نیز با چالش‌های عدیده‌ای از جمله افزایش هزینه‌ها و محدودیت‌های تأمین مواد اولیه روبه‌رو هستند. در فضای رسانه‌ای، انگشت اتهام گاه به سمت شرکت‌ها و افرادی نشانه رفته که دارای رانت‌های ویژه هستند؛ داستان کشتی‌های ذرت معلق در آب‌ها که به دلیل عدم تخصیص ارز بازگیری نمی‌شوند، نمونه‌ای از این مسائل است. گروهی دیگر، افزایش سود صادراتی و ترجیح بازارهای خارجی بر بازار داخلی را عامل تنش در بازار محصولات لبنی معرفی می‌کنند.

در این میان، گفت‌وگو با مهدی جانی‌زاده، سرپرست برنامه ریزی، توسعه و نظارت هلدینگ تادیکو (وابسته به شستا) نشان می‌دهد که سال جاری برای صنایع لبنی بسیار سخت بوده است. او در گفت‌وگو با آتیه‌نو با تأکید بر اینکه متهم کردن تولیدکنندگان به افزایش قیمت برای اهداف صادراتی غیرمنطقی است، خاطر نشان می‌کند که یافتن بازارهای صادراتی و فرایند بازاریابی زمان‌بر بوده و نمی‌تواند بهانه‌ای برای افزایش قیمت در بازار داخلی باشد. جانی‌زاده معتقد است که چالش‌های جاری بیشتر ناشی از مشکلات تأمین نهاده‌ها، نوسانات ارز و هزینه‌های تولید است؛ نه انگي صادراتی تولیدکنندگان.

واثر مستقیم آن بر محدود شدن عرضه و افزایش قیمت محصولات لبنی قابل ملاحظه است.

● **از افزایش قیمت علوفه و نهاده‌ها گفتید. مردم نیز به طور مکرر بابت بالا رفتن قیمت محصولات لبنی که گاه در برخی شرکت‌ها حتی فاصله آن‌ها به هفته می‌رسد، گلهمندند. در این زمینه از سوی فعالان صنایع لبنی تلاش خاص یا مذاکره‌ای برای اصلاح روند صورت گرفته است؟**

شرایط نابسامان حاکم موجب شده که متولیان حوزه دامپروری در سطوح مختلف و از طریق جلسات متعدد، تأمین، تولید و عرضه شیر و سایر محصولات لبنی را به طور جدی در دستور کار قرار دهند. با این حال، باید توجه داشت که شیر اساس و محصول پایه این صنعت است و مدیریت درست آن تعیین‌کننده سلامت کل زنجریره تولید است. هرگونه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری صرفاً در چارچوب واقعیات موجود می‌تواند منجر به تثبیت قیمت‌ها و ارائه محصول با نرخ منطقی به مصرف‌کننده شود. در غیر این صورت، اعمال قیمت‌گذاری دستوری بدون توجه به شرایط واقعی تولید، مسیر صنعت را از روال اصولی خود منحرف خواهد کرد و فشار بر تولیدکنندگان و بازار افزایش می‌یابد.

● **غیر از مشکلات تولید، بسیاری نیز بر این نکته تأکید دارند که افزایش سود صادرات از مواردی است که باعث شده تولیدکنندگان صنایع لبنی بازارهای خارجی را به داخل کشور ترجیح دهند. این فرضیه تا چه اندازه به واقعیت نزدیک است؟**
این تصور که افزایش قیمت محصولات لبنی صرفاً ناشی از تمایل تولیدکنندگان به سود صادراتی است، از اساس نادرست است. صادرات مانند هر فعالیت اقتصادی دیگری، تابع برنامه‌ریزی دقیق، اولویت‌بندی و رعایت پیش شرط‌های مشخص است و نمی‌توان آن را به گونه‌ای ساده‌انگارانه و فوری تصور کرد.

هنگامی که بازار داخلی نیاز مازاد محصول داشته باشد، طبیعی است که تولیدکنندگان در پی یافتن مقاصد صادراتی باشند، اما این فرایند نیازمند زمان، مذاکرات دقیق و برنامه‌ریزی بازاریابی است و نمی‌توان به سادگی در یک ماه بازار صادراتی ایجاد یا محصول مازاد را صرف آن کرد.

کارشناسان بر این نکته تأکید دارند که سرانه مصرف شیر

● **تادیکو دومین تولیدکننده شیر کشور است و از سوی دیگر تمامی حلقه‌های این زنجریره را از دامپروری تا تولید محصول لبنی در دستور کار دارد. با این سابقه ارز یابی شما از وضعیت امسال صنایع لبنی از چه قرار است؟**

یکی از نکات محوری در صنعت لبنی، نقش تاریخ‌های کلیدی در تعیین سیاست‌های قیمتی است که برجسته‌ترین آن‌ها خردادماه است؛ مقطعی که هر سال قیمت مصوب شیر اعلام و ابلاغ می‌شود. در این بازه، قیمت شیر بر اساس مجموعه‌ای از پارامترهای تعیین‌کننده از جمله رشد هزینه‌های تولید، تغییرات دستمزد نیروی کار و تورم مواد اولیه بررسی و تعیین می‌شود.

در سال جاری، تا خردادماه بازار این صنعت نسبتاً آرام و عاری از نوسانات چشمگیر بود، اما پس از ابلاغ قیمت مصوب شیر و با فرا رسیدن تیرماه و آغاز فصل برداشت علوفه دامی، به ناگاه شاهد افزایش نزدیک به ۸۰ درصدی قیمت این محصولات شدید؛ جهشی که در تعیین قیمت شیر برای سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی نشده بود. اگر خوراک دام را به دو بخش علوفه و نهاده‌های دامی تقسیم کنیم، از تیرماه قیمت یونجه، کام و ذرت علوفه‌ای در مناطق مختلف کشور به همان نسبت افزایش یافت و این تغییرات چشمگیر، هزینه‌های تولیدکنندگان را به شکل قابل توجهی افزایش داد و فشار مضاعفی بر فعالان این صنعت تحمیل کرد.

از سوی دیگر، در حوزه نهاده‌های دامی وارداتی نیز بخش قابل توجهی از محصولات مورد نیاز با کندی‌های جدی در ثبت سفارش و تخصیص ارز مواجه و مجموع این محدودیت‌ها مانع از فراهم شدن پیش‌نیازهای عرضه شیر با قیمت مصوب شد.

فرایند تخصیص ارز همواره زمان‌بر است و تبعات متعددی برای دامداران به همراه دارد؛ در موارد بسیاری، این کندی‌ها تولیدکنندگان را ناگزیر به استفاده از ارز آزاد می‌کند که تفاوت قیمت چشمگیری دارد و هزینه‌های تولید را به شکل قابل توجهی افزایش می‌دهد. تازه در شرایطی که دامدار توان مالی لازم برای تأمین این نیازها را داشته باشد و بتواند نقدینگی لازم را فراهم کند.

علاوه بر این، شیوع بیماری تب برفکی در میان دام‌ها نیز به چالشی غیرمنتظره بدل شد. این رویداد، به ویژه در استان‌هایی همچون تهران و آذربایجان غربی که بخش عمده‌ای از دامداری‌های کشور در آن‌ها مستقر است، کاهش قابل توجه تولید شیر را به همراه داشت